

دو فصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین پژوهی علوی،
سال چهاردهم، شماره بیست و ششم (بهار و تابستان ۱۴۰۱)

Motherhood Place in Radical Feminism and its Analysis Based on the Opinions of Muslim Sages

Maryam Ardeshtir Larijani¹ \ Mohaddeseh Eisavi²

Abstract

In general, feminism is a theory that seeks gender equality. During the three periods Feminism has gone through, it has undergone many changes and has seen various types such as liberal feminism, Marxist feminism, radical feminism, social feminism and post-modern feminism and also Islamic feminism. This article examines the issue of motherhood in radical feminism and then reviews its components based on the opinions of some contemporary Muslim scholars. Radical feminists deal strongly with issues such as marriage, reproduction, motherhood, and the family in general. They consider marriage equal to prostitution and consider motherhood as a big obstacle on the path of women, whose purpose is to suppress women. In the context of contemporary Islamic thought, thinkers such as Allameh Tabatabaei (RA), Shahid Motahari (RA) and Ayatollah Javadi Amoli and some others have had a different view on the issue of the family, especially the issue of motherhood. Their view is discussed. Despite the radical feminists who consider motherhood as an obstacle to women's happiness, Islam and Muslim sages generally consider motherhood as a bridge that can bring women to high spiritual positions. In other words, one of the ways to achieve the happiness of this world and the hereafter is through the relationship between a mother and her child. In this regard, the comparison of different opinions and views will lead us to a deeper and different understanding of the issue of motherhood and childbearing.

Keywords: Radical feminism", "Motherhood", Ibn Sina, "Allameh Tabatabai", "Ayatollah Javadi Amoli", "Shahid Motahari", "Ayatollah Mesbah Yazdi

1 - Assistant professor in philosophy, University of Qom, (Corresponding author),

m.larijani@qom.ac.ir

2 - Master's student in Islamic philosophy, University of Qom,

mohaddeseheisavi@gmail.com

جایگاه مادری در فمینیسم رادیکال و بررسی آن بر اساس آراء حکمای مسلمان

مریم اردشیر لاریجانی^۱ / محدثه عیسوی^۲

چکیده

فمینیسم در نگاه کلی نظریه‌ای است که به دنبال برابری زنان و مردان می‌باشد. فمینیسم، در طول سه دوره ای که پشت سر گذاشته، دستخوش تغییرات فراوانی شده و انواع گوناگونی به خود دیده است نظیر فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیسم، فمینیسم رادیکال، فمینیسم سوسیال و فمینیسم پست-مدرن تا فمینیسم اسلامی. نوشتار حاضر مسئله مادری را در فمینیسم رادیکال مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس براساس نظرات برخی حکمای معاصر مسلمان به نقد و بررسی مؤلفه‌های آن می‌پردازد. فمینیست‌های رادیکال با مسائلی همچون ازدواج، تولیدمثل و مادری و به‌طور کلی خانواده به شدت مقابله می‌کنند. آنها ازدواج را مساوی با فحشا دانسته و مادری را سدی بزرگ بر سر راه زنان می‌دانند که هدف آن سرکوب زنان است. در بستر فکر اسلامی معاصر نیز اندیشمندانی نظیر علامه طباطبایی (ره)، شهید مطهری (ره) و آیت‌الله جوادی آملی و برخی دیگر، نگاهی متفاوت به موضوع خانواده به‌ویژه مسئله مادری داشته‌اند که به آن خواهیم پرداخت. علی‌رغم فمینیست‌های رادیکال که مادری را مانعی بر سر راه سعادت زنان می‌دانند، اسلام و حکمای مسلمان، به‌طور کلی مادری را به منزله پلی می‌دانند که می‌تواند زن را به مقامات عالی معنوی برساند. به‌عبارتی، یکی از راه‌های دستیابی به سعادت دنیا و آخرت از مسیر رابطه مادر با فرزندش حاصل می‌شود. در این راستا مقایسه آراء و دیدگاه‌های گوناگون، ما را به فهم عمیق‌تر و متفاوتی از مسئله مادری و فرزندآوری خواهد رساند.

کلیدواژگان: فمینیسم رادیکال، مادری، ابن‌سینا، علامه طباطبایی، آیت‌الله جوادی آملی، شهید مطهری، آیت‌الله مصباح یزدی.

m.larijani@qom.ac.ir
mohaddeseheisavi@gmail.com

۱ - استادیار رشته فلسفه، دانشگاه قم، (نویسنده مسئول)
۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته فلسفه اسلامی، دانشگاه قم.

۱- مقدمه

موضوع مقاله حاضر جایگاه مادری در فمینیسم رادیکال و بررسی آن براساس آراء حکمای مسلمان است. فمینیسم^۱، ایدئولوژی آزادی زنان (هام، ۱۳۸۲: ۱۶۳) و به اعتقاد برخی مجموعه‌ای از عقاید و اعمال سیاسی است که مبتنی بر برابری زن و مرد می‌باشد^۲ (Ritzer and Ryan, 2011: 223). البته باید توجه داشت که فمینیسم یک مفهوم واحد نیست و طیف متنوعی از عقاید و کنش‌ها و رفتارها را در بر می‌گیرد؛ به شکلی که برخی از انواع جریان‌های فمینیستی نه تنها متفاوت بلکه ضد هم هستند! شاید بتوان نقطه اشتراک آنها را تلاش در جهت اعتلای موقعیت زنان در جامعه و رفع تبعیض‌های جنسیتی دانست. جنبش‌های فمینیستی در زمان‌های متفاوت و با تفکرات گوناگون ظهور کردند که محققین تا به اکنون آن را به سه موج (و گاه چهار موج) تقسیم کرده‌اند^۳. به‌طور خلاصه موج اول بیشتر در چارچوب استیفای حقوق سیاسی زنان در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم بوده است؛ موج دوم چالش حقوق زنان در اواخر دهه شصت و کل دهه هفتاد عموماً در عرصه خانواده، نقش‌های جنسیتی و خانوادگی سنتی و مشابه آن رقم خورده است که سه جریان عمده در آن قابل تشخیص است: جریان لیبرال، جریان رادیکال و جنبش فرهنگی. موج سوم که معمولاً آغاز آن را در اوایل دهه ۸۰ میلادی می‌دانند و تا به امروز ادامه داشته‌است، نوعی واکنش به ساختارها و کلیشه‌های سنتی و ارائه بازتعریفی از مؤلفه‌های هویتی زنان و خواسته‌های آنان است. اگرچه در مورد اینکه موج جدیدی (موج چهارم) شکل گرفته است یا نه، اتفاق نظری وجود ندارد، اما به هر حال از اوایل قرن ۲۱ با ظهور جنبش‌هایی نظیر جنبش MeToo فعالیت فمینیست‌ها بیشتر متوجه مصونیت زنان در برابر تجاوز و آزار جنسی و توانمندسازی زنان در حوزه‌های مختلف با استفاده از تکنولوژی‌های جدید و ابزارهای اینترنتی است. نوشتار حاضر در پی بررسی جایگاه مادری در فمینیسم رادیکال^۴، یکی از جنبش‌های موج دوم فمینیسم در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ (McAfee, 2018) می‌باشد و در ادامه مقایسه‌ای با آراء برخی اندیشمندان مسلمان در این زمینه صورت خواهد گرفت. این جنبش خواستار تغییر اساسی در ساختار جامعه (ایالات متحده در دهه ۱۹۶۰) بود و به همین دلیل "رادیکال" خوانده می‌شود. اگرچه این جنبش دکتترین سیاسی یا نظری واحد و یکپارچه‌ای نیست، اما موضع ثابتی نسبت به مردان دارد! فمینیسم رادیکال، پدرسالاری را علت اصلی سرکوب زنان و ظلم و تعدی نسبت به آنان از طریق کنترل ظرفیت تولیدمثل زنان، تمایلات جنسی و شاید مهم‌تر از همه از طریق ایدئولوژی زنانگی^۵ می‌داند (Buchanan, 2010: 396). سیمون دوبوار^۶ معروف‌ترین شخصیت این جنبش بود که با انتشار کتاب «جنس دوم»^۷ در سال ۱۹۴۹ زمینه‌ساز پیدایش موج دوم جریان فمینیستی در دهه ۱۹۶۰ شد. شولامیت فایرستون^۸، یکی دیگر از سردمداران فمینیسم رادیکال، در کتاب «دیالکتیک جنس»^۹ بدن جنس مونث را عامل ستم‌دیدگی زنان می‌داند (Firestone, 1970: 83). از نظر وی زنان قدرت لازم برای انجام برخی کارها را ندارند و به مرور، تن به کارهایی پست همچون خانه‌داری می‌دهند و تا ابد اسیر ساختار بدنشان خواهند بود، زیرا همواره نیازمند مردان بوده و مورد بهره‌کشی جنسی آنان قرار

می‌گیرند (فره‌مند و بختیاری، ۱۳۸۵: ۸۹). به زعم این جریان، خانه همچون منجلابی است که زنان را به درون خود کشیده است و قائلند که مطالعه، آموزش و شغل‌های پردرآمد، در قفس زنان را باز می‌کند^{۱۰} (رید، ۱۳۹۶: ۱۸۲). آنها علاوه بر نکوهش خانه‌داری، می‌گویند هیچ زنی نباید مجاز باشد که در خانه بماند تا فرزندان خود را بزرگ کند (همان، ۱۳۹۳: ۱۴۳) آنها در واقع، آزادی زنان را در هر کاری غیر از مادری و فرزندآوری به تصویر می‌کشند.

فایرستون معتقد است که روابط جنسی و فرزندزایی، سلطه مردان را بر زنان تقویت می‌کند. به نظر وی با پیشرفت تکنولوژی می‌توان بارداری و تولید نسل را از دوش زنان برداشت تا به تبع آن، تسلط جسمی مردان نیز برداشته شود و هر دو جنس در پرورش کودک سهیم‌گردند. وی به شدت تحت تأثیر سیمون دوبووار معتقد است که حاملگی و تولد بچه اعمالی تحقیرآمیز و ستمگرانه می‌باشد (فره‌مند و بختیاری، ۱۳۸۵: ۸۹). به نظر فایرستون زمان آن رسیده است که انسان‌ها فراتر از شرایط زیستی خود تکامل یابند (Debora, 2004: 118). وی معتقد است هنگامی که فناوری بتواند راه‌های مصنوعی برای تولیدمثل پیش روی مردم قرار دهد، نیاز به خانواده طبیعی و در پی آن نیاز به تحمیل دگرجنس‌خواهی برای تضمین بقای نوع بشر از میان می‌رود (تانگ، ۱۳۸۷: ۱۲۶) و کودکان می‌توانند پس از تولد در خانواده‌های غیرزیستی از جمله خانواده‌های دگرجنس‌گرا و هم‌جنس‌گرا بزرگ شوند (Budig, 2004: 424). رادیکال‌ها ازدواج را فحشای عمومی و مادری طبیعی را سرچشمه بدی‌های دیگر می‌دانند. به‌ویژه انحصارگرایی که از آن احساس خصومت و حسادت میان انسان‌ها زاییده می‌شود. به نظر فایرستون انحصارگرایی یعنی علاقه به کودکی بیش از کودکان دیگر، صرفاً به این دلیل که از تخمک یا اسپرم خود ما به وجود آمده است^{۱۱} (تانگ، ۱۳۸۷: ۱۲۶). به‌طور کلی مؤلفه‌های فمینیسم رادیکال را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد: مردستیزی، رهایی زنان، جدایی‌طلبی، نفی ازدواج، هم‌جنس‌گرایی، مفهوم خواهری، نفی خانواده، تولیدمثل (فرزندآوری)، جواز سقط جنین و از بین بردن نقش مادری. در مقابل این نوع نگاه، آموزه‌های اسلام برای خانواده و نقش مادری جایگاه رفیع و منحصر به فردی قائل است و این امر در آثار فلاسفه مسلمان که ملهم از آموزه‌های غنی اسلام هستند، به‌خوبی انعکاس یافته است.

از فلاسفه اسلامی متقدم شاید فارابی نخستین حکیمی باشد که به مباحث تدبیر منزل اشاره کرده است. وی در "فصول متزعه" از مدبر منزل با عنوان «رب المنزل» یاد می‌کند. همچنین ابن‌سینا در "رساله السیاسة"، خواجه نصیرالدین طوسی در "اخلاق ناصری"، صدرالتألهین در "شواهد"؛ "اسرار الایات" و برخی کتب دیگرش به این امر توجه کرده‌اند. از فلاسفه اسلامی متأخر علامه طباطبایی در "تفسیر المیزان"، شهید مطهری در "نظام حقوق زن در اسلام" و "نظام خانوادگی اسلام" (مجموعه سخنرانی‌ها)، آیت‌الله جوادی آملی در "زن در آینه جلال و جمال" و آیت‌الله مصباح یزدی در "زن یا نیمی از پیکر اجتماع" به خانواده و نقش زنان توجه کرده‌اند.^{۱۲} در این مقاله سعی شده تا تبیین شایسته‌ای در این باره با تمرکز بر بحث مادری و موضوعات مرتبط با آن و بهره‌گیری از نگاه مقایسه‌ای - رویکرد فمینیسم

رادیکال از یک سو و نظرگاه اندیشمندان مسلمان از سویی دیگر - ارائه گردد. مادری از موضوعات مهم و چالش برانگیز جهان معاصر است که همواره دیدگاه‌های مختلفی در رابطه با آن وجود دارد. گروهی آن را مقدس دانسته و از مقام والای مادری می‌گویند و گروهی نیز آن را مانعی بر سر راه کمال و پیشرفت زنان تلقی کرده‌اند و تمام تلاششان، تضعیف و نابودی جایگاه مادری است. در ادامه به بررسی رویکرد فمینیست‌های رادیکال^{۱۳} و برخی اندیشمندان مسلمان معاصر در رابطه با مسئله مادری می‌پردازیم.

۲- مادری از دیدگاه فمینیسم رادیکال

موضوع تولیدمثل و مادری، یکی از موضوعات پرمناقشه در حوزه فمینیسم است. برخی از جمله رادیکال‌ها خواستار از میان بردن نقش مادری هستند؛ چراکه تولیدمثل و مادری کردن را باری بر دوش زنان تلقی می‌کنند که باید زنان را از قید آن رها کند. این امر، عاملی است که دست مردان را برای کنترل زنان و سرکوب آنان باز می‌گذارد و کلید آزادی و راه رهایی زنان از این عامل کنترل‌گر را استفاده از فناوری‌های جدید می‌دانند. هرچند نباید از نظر دور داشت که گروه دیگری، مادری را یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های زن بودن می‌شمارند، اما معتقدند باید آن را از کنترل جنس مذکر درآورد و اتفاقاً به همین جهت نسبت به استفاده از فناوری‌های جدید تولیدمثل با احتیاط بیشتری عمل می‌کنند. با چنین ملاحظاتی، مادری می‌تواند مبدل به یکی از بهترین تجربه‌های زنان شود^{۱۴} (فریدمن، ۱۳۸۱: ۱۱۰). فایرستون، اندیشه فطری - بودن تمایل زنان به مادری و تولیدمثل را نمی‌پذیرد و مصرانه آن را امری ساخته اجتماع می‌داند؛ لذا جامعه‌ای که در آن تفاوت‌های جنسی ریشه‌کن شده است نیز تفاوت در ظرفیت زایش فرزند به یاری علم محو می‌شود و هم نقش بزرگ کردن بچه‌ها و مادری کردن را در جامعه، مردان و زنان به طور مساوی به عهده می‌گیرند (همان، ۱۱۳). آنها ضمن تنزل مقام مادری، به دنبال انکار مادری نیز هستند و آن را برای زنان امری خطرناک تلقی می‌کنند؛ زیرا معتقدند مادری، زنان را در موقعیت پایین‌تری از مردان قرار می‌دهد و این امر سبب می‌شود که پدرسالاری، وظایفی را به مادر القا کند و آن‌ها را وادار سازد که پدرسالاری را در کودکان بازتولید کنند و فرزندان‌شان را مجبور به هم‌نوایی با نقش‌های جنسیتی کنند تا این سلسله مراتب موجود، تداوم یابد (صادقی فسائی، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۴). فایرستون معتقد بود که ستم بر زنان منشأ زیست-شناختی دارد و زنان باید برای نابودی نظام طبقات جنسی، مهار ابزار تولید را در دست گیرند. آنها هدف غایی این انقلاب فمینیستی را محو تمایزات جنسی در جامعه‌ای دو جنسیتی می‌دانند. از نگاه آنها فناوری، این انقلاب زیست‌شناختی را امکان‌پذیر می‌سازد. هنگامی که فایرستون کتاب دیالکتیک جنس را نوشت، تنها فناوری موجود برای مهار باروری که کاربرد گسترده‌ای داشت، پیشگیری از بارداری، عقیم‌سازی و سقط جنین بود؛ اما امروزه شیوه‌های کمک به باروری همچون تلقیح مصنوعی توسط اهدا کننده، باروری آزمایشگاهی و انتقال جنین کاملاً رواج یافته است. به لطف این فناوری‌ها و راه‌های قانونی دیگر همچون

مادری قراردادی، زنی که بچه بخواهد لازم نیست باردار شود و زنی که باردار شود مجبور نیست بچه را خودش بزرگ کند. علاوه بر آن، همین که امکان بقای نسل از طریق آزمایشگاهی و خارج از زهدان فراهم باشد، نقش زنان در فرایند تولیدمثل بیشتر از مردان نخواهد بود و زمانی که جنین کامل می‌شود، هرچند نفر که مایل باشند اعم از زن و مرد، می‌توانند از آن پرستاری کنند (تانگ، ۱۳۸۷: ۱۲۴-۱۲۳).

برخی با این نگاه مادی که زن در خانه با کارش هیچ چیز تولید نمی‌کند، مقام مادری را تنزل می‌دهند و می‌پندارند مراقبت از کودکان فایده مستقیمی برای اجتماع ندارد. به عبارتی نه تنها محبت، مهر و عاطفه مادری را نادیده می‌انگارند، بلکه معیار ارزش کار زنان و مادران را نیز امری مادی تلقی می‌کنند. دوبوار همانند فایرستون غریزه مادری را انکار می‌کند و به مادرانی اشاره می‌کند که نه تنها علاقه‌ای به فرزند خود ندارند، بلکه آن را مایه تباهی روح و جسم خود می‌دانند (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳: ۱۴۲). او برای زنان در مورد مادرشدن، حق انتخاب قائل شده است، اما توصیف او از مادری، تصویری تیره‌وتاریک است؛ چرا که در پیوند مادر و فرزند، فردیت و آزادی زن از بین می‌رود. او همچنین قائل به هیچ ارتباط متقابلی میان مادر و فرزند نیست و معتقد است که فرزند با خود ارزشی نداشته و نمی‌تواند ارزشی را نیز به زن بدهد. حتی در رابطه با مادری که از بودن با کودک خود لذت می‌برد نیز به بدی یاد می‌کند. به نظر وی، چنین مادری چون کمابیش کودک مانده است، از اینکه در کارهای احمقانه با کودک خود همراه شود، لذت می‌برد. برای دوبوار حاملگی شاید نمونه عالی رضایت‌دادن زنان به تنزل در حد یک شیء باشد. او زن باردار را انسانی آگاه می‌داند که تبدیل به ابزار منفعلی در دست حیات بشری شده است. همچنین مادری را با منافع فردی در تعارض می‌بیند و معتقد است که اراده زن را متزلزل می‌سازد (دمارنف، ۱۳۹۰: ج ۸، ۳۹-۳۸). فمینیست-های رادیکال، مادری را یک مانع بر سر راه زنان می‌دانند که آن‌ها را از پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی باز می‌دارد. به همین دلیل تمام همت و تلاش خود را بر این نهاده‌اند که جایگاه مادری و فرزندآوری را تنزل داده و یک زندگی با مؤلفه‌های نو برای زن به وجود آورند.

اگر از اغراض سیاسی که در پس پرده برخی از شعارهای فمینیستی پنهان شده بگذریم^{۱۵}، مجموعه‌ای از نقص‌های معرفتی، ناهنجاریهای فرهنگی و چالش‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به بسط دیدگاه-های فمینیستی در سطوح مختلف دامن می‌زنند. در چنین موقعیتی قاعدتاً هر دیدگاه یا مکتبی که نسبت به مؤلفه‌های مطرح شده و نواقص مربوط به آن ایده یا راهکاری داشته باشد، ارزش طرح و بررسی می‌یابد. آثاری که توسط حکمای مسلمان و در بستر ایدئولوژی اسلامی به منصفه ظهور رسیده‌اند از آن جمله‌اند.

۳- جایگاه مادری از منظر حکیمان مسلمان

با نظر به دیدگاه شرق‌شناسان و برخی از مؤلفان اسلامی، به این موضوع مهم دست می‌یابیم که برخی از آنها نظریاتی نادرست ارائه داده و گمان کرده‌اند که زن در اسلام تحت ستم واقع شده است.^{۱۶} لیکن حقیقت آن است که نزد مسلمانان، دو میراث مختلف وجود دارد: یکی تعالیم دینی مستقیم و مستند و

دیگری عادات موروثی که هیچ نشانی از آنها در دین دیده نمی‌شود. باید میان این دو تمایز قائل شد. همچنین آثار دینی مربوطه نیز به دو بخش تقسیم می‌شود: بخشی درباره زن و شئون آن در مرحله‌ای معین از تاریخ سخن می‌گوید و دیگری تعالیمی که بنیادین و جاودان است (صدر، ۱۳۸۷: ص ۱۲-۱۱). برای تبیین مفهوم مادری و استخراج نظر صحیح، تبیین برخی مباحث مقدماتی لازم به نظر می‌رسد. به عنوان مثال درخصوص این چالش بحث برانگیز که آیا مقام و جایگاه زن پایین‌تر از مرد است یا نه؟ آیات متعددی از قرآن به برابری زن و مرد در بهره‌مندی‌های روحانی و مقام انسانی اشاره می‌کند (احزاب/ ۳۵؛ نحل/ ۹۷؛ حجرات/ ۱۳؛ نساء/ ۱۳۴؛ آل عمران/ ۱۹۵). عموم مفسران هم بر این مسئله تأکید کرده‌اند. حتی بنابر آیات قرآن، زنانی چون همسر فرعون و مریم، مادر حضرت عیسی (علیهما السلام) مخاطب وحی بوده‌اند؛ اگرچه مقام نبوت نداشته‌اند. در عرصه اجتماعی هم زنان مسلمان چه در صدر اسلام و چه بعد از آن بسیار منشأ اثر بوده‌اند. چنانکه حضرت فاطمه و حضرت زینب (علیهما السلام) در مواردی که با ظلم و تعدی حاکمیت وقت مواجه بودند، به ایفای نقش سیاسی و تاریخی خویش اهتمام داشتند. در عرصه‌های دیگر مثل تعلیم و تربیت هم با نمونه‌های منحصر به فردی مواجه هستیم. بالغ بر ۵۰ تن از روایات احادیث نبوی از زنان هستند که علاوه بر حضرت صدیقه کبری (سلام‌الله‌علیها) و همسران گرامی پیامبر، زنان بزرگواری همچون أم‌حکیم الخولیه، صفیه بنت شیبیه، فاطمه بنت اسد و اسماء بنت عمیس وجود دارند. در میان راویان احادیث امامان شیعه نیز روایاتی از ۳۳ تن از زنان که از امام صادق (علیه السلام) نقل روایت کرده‌اند به چشم می‌خورد (نک خویی، ۱۴۱۰). علاوه بر آن در طول تاریخ شیعه بانوانی بوده‌اند که مضافاً بر تسلط به معارف عالیه و کسب درجه اجتهاد، کرسی تدریس داشته و این ذخایر ارزشمند را برای زنان و حتی درپس پرده برای مردان تعلیم می‌داده‌اند. از جمله: فاطمه جزینیه دختر شهید اول ملقب به «ست المشایخ» (الأمین، ۱۴۰۳، ج ۳، ۴۷۶)، آمنه بیگم دختر اصولی بزرگ وحید بهبهانی (الأمین، ۱۴۰۳، ج ۹، ۴۴۳)، آمنه بیگم دختر علامه مجلسی اول و خواهر مجلسی دوم (أفندی اصفهانی، ۱۴۰۱، ج ۵، ۴۰۷)، درة العلماء معروف به خانم قرائت شیرازی (حسون و مشکور، ۱۴۲۱، ۲۸۶) و ...

از جهت دیگر، قرآن زمانی که الگوهای رفتاری در سطوح مختلف را بیان می‌کند، برای مادر جایگاه ویژه‌ای قائل است و مقام مادر را جداگانه و مستقلاً مطرح می‌کند. به عنوان نمونه قرآن کریم در سوره احقاف انسان را به نیکی کردن به پدر و مادر سفارش می‌کند چرا که "مادر" شسختی‌های حمل، زایمان و از شیر گرفتن را تحمل می‌کند، تا اینکه فرزندش به کمال رشد و قدرت برسد (نک به احقاف/ ۱۵). پس از آن در محیط خانه با نقش بی‌بدیل زن و مادر مواجه می‌شویم، علی‌رغم آنکه در نگاه فمینیستها زنان و مادران در خانه موجودی بی‌مصرف و بدون هیچ وظیفه مؤثر و قابل توجهی تلقی می‌شوند، در نگاه دینی خانه پایگاه نقش‌آفرینی زنان در جایگاه مادری و همسری است. آیت‌الله جوادی آملی به عنصر مهم "سکینت" در خانه اشاره می‌کند: «خداوند، مسکن را برعهده مرد و سکونت را برعهده زن گذاشته است. مسکن، آشیانه‌ای بیش نیست؛ یعنی فقط یک چهاردیواری است، اما «خلق لکم من أنفسکم ازواجاً لتسکنوا

البها» (روم/ ۲۱): یعنی «سکونت» و «سکینت» جامعه برعهده مادران است. در نتیجه اگر زن نتواند به خوبی مدیریت کند، رسالت الهی را انجام نداده است» (حاجی اسماعیلی و دهقان، ۱۳۹۵: ۲۲). این خود بحث مفصلی می‌طلبد که ایجاد سکون و آرامش در خانه و محل زندگی چه ثمرات قابل توجهی در پی خواهد داشت. شهید مطهری (ره) نیز در بیان مقام مادری از این نکته آغاز می‌کند که شریف‌ترین کارها آدم‌سازی است، چراکه کارها یا از نوع فن است؛ مثل نجاری، نقاشی و اتومبیل‌سازی و یا صرفاً حرفه است مثل عطاری، بقالی، دفترداری و پشت میز نشینی. در میان امور فنی و صنعتی، سروکار با جمادات، نباتات، حیوانات یا انسان است. در انسان هم یا سروکار با جسم است یا روح. مسلماً اهمیت و شرافت کار با موضوع و اثر کار ارتباط زیادی دارد. تکمیل ابزار زندگی هرگز به پایه حقیقت زندگی یعنی روحیه مردم نمی‌رسد (مطهری، ۱۳۸۵: ج ۵، ۵۸). کسی که روح آدمی را پرورش می‌دهد و انسانی را تربیت می‌کند، صدالبته با کسی که وسیله‌ای می‌سازد قابل مقایسه نیست و تفاوت میان این دو بسیار است. همچنین از آن جهت که مادران پیکر سازان اول اجتماعند (همان، ج ۵، ۵۵) مادری یک مسئله اجتماعی نیز هست و تنها یک عمل ساده طبیعی یا لزوماً نتیجه یک عمل طبیعی نیست؛ بلکه از جنبه اجتماعی اهمیت فوق‌العاده دارد و وظیفه، حقوق و مقام مادری، هر سه از جهت اجتماعی حائز اهمیت است.

نکته دیگری که قابل طرح است موضوع "تکامل انسان" است. تکامل انسان از نوع اعتباری نیست؛ همچون فسخ برخی از قوانین دین و جایگزینی قوانین جدید به جای آن؛ بلکه از نوع تکامل حقیقی است. آن چیزی که به دقت فلسفی واقعاً از نقص به کمال می‌رود و وجودش متکامل می‌شود، انسان است. (مطهری، ۱۳۷۶: ج ۱۳، ۷۹۶). از این نکته فلسفی در بحث حاضر شاید بتوان این‌طور استفاده کرد که در این سیر تکاملی، نقش "مادری" به عنوان یک "ابزار" نیرومند هم می‌تواند تأثیر بسزایی در بسط و اعتلای وجودی خود زن داشته باشد و هم ظرفیتی باشد برای تکامل انسان دیگری به عنوان فرزند. حتی تأثیرگذاری یک زن با تجربیات غنی مادری در عرصه‌های مختلف شایسته بررسی است. به عنوان نمونه سارا رادیک^{۱۷} به ارزش‌ها، تجربیات و دانش ناشی از توانایی مادری زنان توجهی ویژه دارد و این نظریه را مطرح می‌کند که ارزش‌هایی چون سازگاری، صلح‌طلبی، توجه، مراقبت و ... تنها مختص مادران نیست، بلکه می‌تواند به عنوان یک "الگو" برای دستیابی به دنیایی بهتر توسط همه انسان‌ها مورد استفاده قرار گیرد (Ruddick, 1986: xix).

۴- لذت مادری از دیدگاه حکیمان مسلمان

موضوع دیگری که از اهمیت بالایی برخوردار است، لذت مادری است. لذت مادری، لذتی باصفا و عمیق است و متأسفانه در عصر جدید این لذت باصفا و انسانی و عمیق و روحانی مورد غفلت است و به لذات زودگذر جسمانی فروخته می‌شود. وظیفه و حقوق و لذت مادری از طرف مادران نادیده گرفته شده و مقام مادری از طرف فرزندان و حتی خود زنان و البته اجتماع مورد تحقیر واقع شده است. لذت مادری،

روحانی است نه جسمی؛ لذتی که مادر از فرزند می‌برد، هرچند عقلانی نیست و از مختصات انسان نیست ولی جسمی هم نیست و به اصطلاح شیخ در نمط هشتم اشارات، وهمی است (مطهری، ۱۳۸۵: ج ۷، ۲۸-۲۹). ابن سینا در نمط هشتم کتاب الإشارات و التنبيهات خود از سه نوع لذت نام می‌برد، لذت حسی، لذت باطنی (وهمی) و لذت عقلی؛ از نظر ایشان لذت عقلی از همه بالاتر و لذت حسی از همه پایین‌تر می‌باشد (ابن سینا، ۱۳۸۱: ۳۴۲). برخی مردم گمان می‌کنند که چیزی بالاتر از لذت حسی نیست، اما شیخ با ارائه چند مثال این گمان را رد می‌کند. رجحان لذت یک بخشش در مردان بخشنده بر لذت‌های حیوانی، حاکی از برتری لذت باطنی بر حسی دارد و یا به‌طور مثال حیوان شیرده که فرزندش را بر خودش مقدم می‌دارد، حتی اگر در حمایت از او جان خودش نیز به‌خطر افتد. اینکه ما لذات باطنی را بر حسی مقدم می‌داریم خود دلیل بر برتری لذات باطنی است. حال که این لذت باطنی است، باید دید لذت عقلی که بالاتر از آن است از چه ویژگی‌هایی برخوردار است (ابن سینا، ۱۳۹۲: ج ۱، ۴۱۶-۴۱۴). شهید مطهری (ره) در شرح بر اشارات، تفاوت‌هایی میان لذات حسی و غیرحسی بیان می‌کند که ما را به مقصود خود نزدیک‌تر می‌کند. ایشان معتقدند که لذات حسی و جسمی به عضو معینی تعلق دارند، اما لذات روحی چنین نیست؛ همانند لذتی که پدر از وجود فرزندش می‌برد که به عضو خاصی تعلق ندارد. دوم آنکه لذات حسی وابسته به عاملی خارج از وجود انسان است که در صورت عدم وجود آن شیء لذتی ایجاد نمی‌شود، اما در لذات روحی چنین نیست؛ به‌طور مثال لذتی که پدر از فرزند می‌برد صرفاً به دلیل تصور داشتن او است و در نهایت، لذات جسمی کم دوام هستند، اما لذات روحی ممکن است به‌طور دائم موجود باشند (مطهری، ۱۳۷۶: ج ۷، ۸۵-۸۴). بنابراین شهید مطهری (ره) لذت مادری را از مصادیق لذات روحی و باطنی می‌داند که از لذات حسی قوی‌تر و شدیدتر هستند. ایشان لذت مادری را متناسب با محبت مادری می‌داند. همان‌طوری که محبت مادری بالاترین محبت‌هاست، قهرراً لذت مادری نیز بالاترین لذت‌هاست. یک لبخند کودک، یک شیرین زبانی، یک التجاء به مادر، یک قد و بالای فرزند دیدن، فوق‌العاده لذت دارد. از طرف دیگر مشاهده کردن اثر خود، لذت‌بخش است. یک صنعت‌گر نمی‌تواند از اثر خود لذت نبرد. لذت از اثر، فوق همه لذت‌هاست، خصوصاً اگر پدر و مادر در تکوین روحی یعنی در تربیت، تأدیب و آراستگی روح فرزند خود مؤثر باشند (مطهری، ۱۳۸۵: ج ۵، ۵۵). علامه مصباح (ره) محبت و لذت مادری را به بحث فرزندآوری مرتبط می‌داند: «چون سنگینی بار تناسل به عهده زن است از این رو دست حکیمانه ربوبی او را به نیرویی مجهز کرده که بتواند این وظیفه مهمه طبیعی را به خوبی انجام دهد و از آن لذت ببرد و آن نیروی روانی محبت مادری است» (مصباح، ۱۳۴۳: ۱۱).

۵- رابطه فرزند و مادر

بنابر دیدگاه علامه طباطبایی (ره) انسان به‌حسب ساختمان خاص روحی خود متمایل و خواهان خدا آفریده شده است. در انسان، خداجویی، خداخواهی و خداپرستی به صورت یک غریزه نهاده شده است؛

همچنانکه غریزه جستجوی مادر در طبیعت کودک نهاده شده است. این غریزه به صورت غیر محسوس در کودک وجود دارد. او مادر را می‌خواهد و جستجو می‌کند، بدون آنکه خود بداند و بفهمد که چنین خواهش و میلی در او وجود دارد و بدون آنکه در سطح شعور ظاهرش انعکاسی از این میل و خواهش وجود داشته باشد (طباطبایی، بی‌تا: ج ۵، ۳۴). خداوند تبارک و تعالی در بیان آیات متشابه و محکم، در تفسیر آیات محکم، از کلمه «أم» استفاده می‌کند. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه «هن أم الكتاب» (آل عمران/ ۷) اینگونه می‌فرماید: «کلمه "أم" که در فارسی به معنای مادر است هم، این معنا را می‌فهماند، که مادر اصل فرزند است، و هم این که فرزند به مادر رجوع می‌کند، چون نشوونما و اشتقاق فرزند از مادرش بوده و در حقیقت فرزند بعضی از مادر است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۶۷). در حقیقت از این نکته که آیات محکم که آیاتی است با مضمون روشن و واضح، اصل و اساس کتاب قرآن را تشکیل می‌دهند و در هنگام سردرگمی در فهم آیات متشابه باید به آیات محکم رجوع کنیم، این نکته برداشت شده که مادر نیز اصل فرزند است و فرزند به او رجوع می‌کند. هر قدمی که والدین در راستای تربیت فرزند خود برمی‌دارند، حتی عواطفی که مادر و پدر نسبت به کودکشان دارند، گذشته از فرزند، خود والدین را به سمت معنویت سوق می‌دهد و سبب تکامل آنها می‌شود و این لطفی است از جانب پروردگار به آنها. در حدیثی از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمده است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۰) که فرمودند: «فرزندان تان را بسیار ببوسید چرا که برای شما در برابر هر بوسه‌ای درجه‌ای در بهشت است که مسیر آن پانصد سال است» (بروجردی، ۱۳۸۶: ۱۸۶۵). شهید مطهری (ره) نیز در رابطه با محبت مادر به فرزندش و تأثیر این محبت بر خود مادر معتقد است محبت مادری نه تنها برای فرزند مفید است، بلکه وجود خود مادر را نیز تغییر می‌دهد؛ کیمیایی است برای وجود مادر. روح او را هشیار می‌کند و از لختی خارج می‌کند. محبت مادر باعث ایجاد شجاعت و بخشنده‌گی و فداکاری می‌شود. پس مادری برای تکمیل وجود خود مادر نیز لازم و واجب است (مطهری، ۱۳۸۵: ج ۷، ۲۸).

بحث از رابطه مادر و فرزند زمانی اهمیت پیدا می‌کند که مادران به دلیل تأثیرات و تلقینات گسترده فمینیسم، می‌خواهند برای خود جایگاه اجتماعی کسب کرده (البته جایگاه اجتماعی تعریف و تأیید شده توسط فمینیست‌ها که ارزش این جایگاه خود محل تأمل است!) و خود را وارد دنیای شغل‌های تمام وقت کنند و در این میان، تمام میل و غریزه خود را برای نگهداری از فرزند و مادری کردن سرکوب می‌نمایند. شهید مطهری (ره) یکی از جدی‌ترین معضلات را در عرصه مادری، معضل فکری و معرفتی بیان می‌کند و نقش تلقین‌های غلط را گوشزد می‌نماید. همچنین مهم‌ترین علت انحراف افکار را توجه به امور مادی ذکر می‌کند: این چه بیماری است در میان ما که «مادری» از لحاظ مقام تحقیر می‌شود و از لحاظ خوشی و لذت نیز تحقیر می‌شود و عین بدبختی خوانده می‌شود؟ امروز زنان ما مرتباً خودشان به خودشان و پاره‌ای از مردان شکارچی به آنها تلقین می‌کنند که خوشی و لذت در زندان خانه از تو گرفته شده، خانه زندان است. هر جا که از آنجا کمتر بیرون آمدی، در لغت اینها زندان است و لو کتابخانه و کارگاه هنری و نقاشی

باشد. لذت در نظر اینها فقط گردش و ولوشدن در حاشیه خیابانها و کنار دریا و سینما و میز قمار و بطری شراب و قهقهه مستانه زدن و حتی تفریحات مردانه از قبیل کشتی گرفتن است. حد فهم و فکر پایین آمده است. برخی از زنان امروز از لذت مادری محروم هستند؛ چراکه توجه به شهوات مادی، افکار را از لذات خالص و بی‌شائبه معنوی که از آن جمله لذت مادری می‌باشد، منصرف کرده است. بچه‌داری در نظر اینها بدبختی است، خوشبختی از صبح تا ظهر پشت میز نشستن و عصر در حاشیه خیابان قدم زدن و شب به‌سینما رفتن و آخر شب پای میز قمار بیدار بودن است (مطهری، ۱۳۸۵: ج ۵، ۵۶). بنابراین به نظر می‌رسد جدی‌ترین و تأثیرگذارترین امری که توجه به آن می‌تواند جایگاه مادری را احیاء نماید، تغییر نگرش‌ها و اصلاح فکری زنان نسبت به مسئله مادری و فرزندآوری است.

۶- نتیجه‌گیری

موضوع مادری از مسائل مهم و چالش‌برانگیزی می‌باشد که نظرات گوناگونی در رابطه با آن وجود دارد. از جمله جنبش‌هایی که مخالفت شدیدی با این مسئله دارد، فمینیسم رادیکال است. فایرستون، از سردمداران این جنبش، علت نابرابری میان زن و مرد را ناشی از تفاوت‌های زیستی آن دو و قدرت باروری و بچه‌زایی زن می‌داند و تأکید دارد که زنان باید از این وضعیت طبیعی، اما غیرانسانی که موجب فرودستی تاریخی آنها شده است، رهایی یافته و با پیروزی بر طبیعت و با وضع حمل مصنوعی، کودکان خود را به وجود آورند. او همچنین برچیده‌شدن بساط مادری در شکل کنونی‌اش را عامل مهمی در تغییر جامعه و احیاء قدرت و جایگاه زنان می‌داند. اما در مقابل نظرات حکیمان مسلمانی همچون علامه طباطبایی (ره)، آیت‌الله جوادی آملی، شهید مطهری (ره) و آیت‌الله مصباح (ره) نگاه متفاوتی را عرضه می‌کنند. ایشان اتفاق نظر دارند که مسئله مادری، مسئله‌ای کاملاً فطری و طبیعی است و کم‌رنگ‌شدن آن، خسارتی جبران‌ناپذیر در پی دارد. از نظر علامه طباطبایی (ره)، زنان از بدو تولد مادران بالقوه‌ای هستند که هم از جهت جسم و هم از جهت عواطف برای تولد و پرورش فرزندان تجهیز شده‌اند. آیت‌الله جوادی آملی نیز سکونت و سکونت جامعه را به‌عهده مادران می‌داند و از دیدگاه شهید مطهری (ره) مادران، پیکرسانان اول اجتماعند.

با مقایسه دو دیدگاه فمینیسم رادیکال و حکیمان مسلمان، این نتیجه حاصل شد که علی‌رغم نظر رادیکال‌ها که مادری را مانعی بر سر راه زنان دانسته و دست به هر شیوه‌ای می‌زنند تا این مانع را به کلی از میان بردارند، حکیمان مسلمان، مادری را همچون نردبانی می‌دانند که زن را به سعادت ابدی و اخروی‌اش می‌رساند، لذا با تجلیل از مقام شامخ مادری، زنان را به مادری و فرزندپروری تشویق می‌کنند. همچنین در این دیدگاه، مادری علاوه بر آثار و فوایدی که برای خود فرزند و تحکیم خانواده دارد، برای والدین به خصوص مادر نیز برکات فراوانی را به دنبال دارد و محبت مادری، مادر را به کمال معنوی می‌رساند. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که به زعم فمینیست‌های رادیکال، پرورش فرزند تنها به‌عهده

زن می‌باشد؛ اما این موضوع می‌تواند یک سوءبرداشت از جانب آن‌ها تلقی شود، زیرا اگرچه نقش زنان به عنوان مادر، بسیار پررنگ و پر اهمیت است، اما پرورش فرزند تنها به‌عهده زن نیست و در اسلام وظایف متعدد تربیتی داریم که برعهده پدر می‌باشد. حال به دلیل چنین سوءبرداشتی شایسته نیست که اصل نقش مادری را منکر شد، بلکه باید به اصلاح برداشتها همت گماشت.

در آخر باید خاطر نشان کرد برای ارتقاء جایگاه مادران، گذشته از اصلاح رویکردهای اجتماعی، این خود مادران هستند که باید جایگاه خود را به خوبی درک کنند و بدانند که نقش مادری، لذت مادری و رابطه مادر و فرزند، چیزی است که در فطرت او وجود دارد و هیچ‌گاه مادر به واسطه انجام این امور و یا صرف زمان برای تربیت فرزند، وقتش را تلف نکرده بلکه به تعبیر شهید مطهری مادر مهم‌ترین کار در هستی را انجام می‌دهد و آن تربیت انسان است. جامعه اسلامی با تمسک به مکتب اسلام -به‌عنوان صاحب بهترین ایدئولوژی در مسئله زنان و خانواده- می‌تواند شرایط را برای آگاهی‌بخشی نسبت به امر خطیر مادری محیا کرده و در مرحله اجرا جایگاه ارزشمند مادری را احیا نماید.

پی‌نوشت‌ها

1-Feminism

2- Burkett, Elinor and Laura Brunell, (2020), "Feminism", Encyclopædia Britannica, Inc.

۳- باید توجه داشت که نه‌تنها در مفهوم، بلکه در طبقه‌بندی انواع مختلف نظریات فمینیستی نیز میان محققین وفاقی وجود ندارد. نوشتار حاضر بر مبنای تقسیم‌بندی تاریخی صورت گرفته است.

۴- فمینیست‌های رادیکال به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ گروه اول قائل به تفاوت‌های زیستی میان زنان و مردان هستند و این را عامل فرودستی زنان می‌دانند و گروه دوم این تفاوت‌ها را انکار کرده و قائل به این هستند که این تفاوت‌ها در جامعه شکل می‌گیرند. گروه اول به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ گروهی از آنها معتقدند که مبنای زیستی به وسیله فناوری حذف می‌شود (باروری مصنوعی) و گروه دیگر معتقدند که باید زیست‌شناسی پدرسالارانه حذف شود و نه بیولوژیک زنان.

5- Femininity

6- Simone de Beauvoir

7- The Second Sex

8- Shulamith Firestone

9- The Dialectic of Sex

۱۰- همچنین رجوع کنید به:

Reed, Evelyn, (1969), Problems of Women's Liberation: A Marxist Approach. Merit

Publishers, p. 63.

۱۱- برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Tong, Rosemarie. (2009), *Feminist Thought*, Westview Press, p. 88

۱۲- البته این موارد، صرفاً نمونه‌هایی از آثار فلاسفه و حکمای مسلمان در این خصوص است.

۱۳- البته باید توجه داشت که در این نوشتار به برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فمینیسم رادیکال به‌طور کلی پرداخته شده و برای بررسی گروه‌های مختلف این جنبش به‌طور مجزا و با جزئیات مجالی نبوده است.

۱۴- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Freedman, Jane, (2001), *Feminism*, Open University Press, p. 71

۱۵- برای مطالعه بیشتر منابع زیر مفید است:

Fauré, Christine (Ed.), (2003), "Political and Historical Encyclopedia of Women", New York & London, Routledge, p. 649-68.

Paletschek, Sylvia; Bianka Pietrow-Ennker, (2004), *Women's Emancipation Movements in Europe in the Long Nineteenth Century: Conclusions in Women's Emancipation Movements in the 19th Century*, Paletschek and Pietrow-Ennker (Ed), Stanford, Stanford University Press, p. 301-331.

Taylor Allen, Ann, *Feminism*, (1999), "Social Science, and the Meanings of Modernity: The Debate on the Origin of the Family in Europe and the United States", 1860-1914. *American Historical Review*, 104 (4): 1085-1113.

۱۶- به عنوان مثال برنارد لوئیس در کتاب خود جایگاه زن را در اسلام از برده نیز پایین‌تر می‌داند:

Bernard, Lewis, (2002), *What Went Wrong*, London, Phoenix, p. 75.

17- Sara Ruddick

منابع

قرآن کریم

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله، (۱۳۸۱)، *الإشارات والتنبيهات*، قم، بوستان کتاب (مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي).
۲. _____، (۱۳۹۲)، *ترجمه اشارات و تنبيهات*، مترجم: حسن ملک شاهی. ج ۱، تهران، انتشارات سروش.
۳. أفندي اصفهانی، میرزا عبدالله، (۱۴۰۱ق)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تحقیق: سید أحمد حسینی، قم، نشر مکتبه آیه الله المرعشی.
۴. الأُمین، سید محسن، (۱۴۰۳ق)، *أعیان الشیعة*، تحقیق: حسن الأُمین، ج ۳، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۵. بروجردی، آقاسین، (۱۳۸۶)، *منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)*، ج ۲۶، مترجم: عدهای از فضلاء، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
۶. تانگ، رزمی، (۱۳۸۷)، *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه های فمینیستی*، مترجم: منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی.
۷. حاجی اسماعیلی، سمیه؛ دهقان، محمد صادق، (۱۳۹۵)، *مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی / با گفتارها و گفت وگوهای از اساتید و دانشوران: عبدالله جوادی آملی ... (و دیگران)*، چاپ دوم، بی جا، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۸. چراغی کوتیانی، اسماعیل، (۱۳۹۳)، *خانواده، اسلام و فمینیسم تبیین رویکرد اسلام و فمینیسم به کارکردهای خانواده*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۹. حسّون، محمد؛ مشکور، أم علی، (۱۴۲۱ق)، *أعلام النساء المؤمنات*، ایران، تهران، دار الأسوة للطباعة والنشر.
۱۰. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، *معجم رجال الحديث*، قم، مرکز نشر آثار الشیعة.
۱۱. دمارنف، دافنه، (۱۳۹۰)، *فمینیسم در ترازوی نقد، غریزه مادری*، ج ۸، مترجم: آزاده وجدانی، قم، دفتر نشر معارف.
۱۲. رید، ایولین، (۱۳۹۶)، *آزادی زنان*، مترجم: افشنگ مقصودی، چاپ پنجم، بی جا، گل آذین.

۱۳. صادقی فسائی، سهیلا، (۱۳۸۴)، «چالش فمینیسم با مادری»، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، شماره ۲۸.
۱۴. صدر، موسی، (۱۳۸۷)، *زهره فصلی از کتاب رسالت*، مترجم: علی حجتی کرمانی، تهران، امام موسی صدر، موسسه نشر شهر.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم: محمدباقر موسوی، جلد ۳، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. _____، (بی تا)، *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران، صدرا.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ه ق)، *مکارم الاخلاق*، قم، الشریف الرضی.
۱۸. فرهنگد، مریم و آمنه بختیاری، (۱۳۸۵)، «واگردهای فمینیستی در ازدواج»، بی جا، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، شماره ۳۱.
۱۹. فریدمن، جین، (۱۳۸۱)، *فمینیسم*، مترجم: فیروزه مهاجر، چاپ چهارم، تهران، آشیان.
۲۰. مصباح، محمدتقی، (۱۳۴۳)، *زن یا نیمی از پیکر اجتماع*، چاپ اول، قم، انتشارات آزادی.
۲۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۷ و ۱۳، تهران، صدرا.
۲۲. _____، (۱۳۸۵)، *یادداشت‌ها*، جلد ۵ و ۷، چاپ سوم، بی جا، انتشارات صدرا.
۲۳. هام، مگی، (۱۳۸۲)، *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*، مترجمان: نوشین احمدی خراسانی؛ فیروزه مهاجر و فرخ قره‌داغی، تهران، توسعه.

24. Bernard, Lewis, (2002), *What Went Wrong*, London, Phoenix.
25. Buchanan, Ian, (2010), *A Dictionary of Critical Theory*, Oxford University Press.
26. Budig, Michelle, (2004), *The Blackwell Companion to Sociology of the Family*, Chapter, Feminism and the Family, Blackwell Publishing.
27. Brunell, Laura; Burkett, Elinor, "Feminism", *Encyclopaedia Britannica*.
28. De Beauvoir, Simone, (1989), *The second sex*, Trans, H. M, Parshley, New York, Vintage Books.
29. Debora, Halbert, (2004), *Shulamith Firestone*, Information Communication and Society.
30. Fauré, Christine, (Ed), (2003), "Political and Historical Encyclopedia of Women", New York & London, Routledge.
31. Firestone, Shulamith, (1970), *The Dialectic of Sex*, New York, Bantam.
32. Freedman, Jane, (2001), *Feminism*, Open University Press.
33. George Ritzer and Ryan Michael (Ed.), (2011), *The Concise Encyclopedia of Sociology*, Wiley-Blackwell.
34. McAfee, Noëlle, (2018), "Feminist Philosophy", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Edward N. Zalta (Ed.), Fall Edition, URL = <<https://plato.stanford.edu/archives/fall2018/entries/feminist-philosophy/>>

35. Paletschek, Sylvia; Bianka Pietrow-Ennker, (2004), "Women's Emancipation Movements in Europe in the Long Nineteenth Century: Conclusions", in *Women's Emancipation Movements in the 19th Century*, Paletschek & Pietrow-Ennker (Ed.), Stanford, Stanford University Press.
36. Reed, Evelyn, (1969), *Problems of Women's Liberation: A Marxist Approach*, Merit Publishers.
37. Ruddick, Sara, (1986), *Maternal Thinking*, Beacon Press.
38. Tong, Rosemarie, (2009), *Feminist Thought*, Westview Press.